

مسأله امامت

وجود مبارك امام رضا (ع) وقتي وارد ايران شدند؛ حوزه علميه از عراق به ايران منتقل شد، چه اينكه از حجاز هم به ايران منتقل شد...

وجود مبارك امام رضا (ع) وقتي وارد ايران شدند؛ حوزه علميه از عراق به ايران منتقل شد، چه اينكه از حجاز هم به ايران منتقل شد. وقتي امام زمان در يك منطقه اي حضور داشته باشد، همانجا حوزه علميه است. وقتي وجود مبارك اميرالمؤمنين (ع) در حجاز تشریف داشتند، در مدینه بودند؛ حوزه علميه هم در مدینه مستقر بود. وقتي حضرت به عراق تشریف آوردند، در کوفه مستقر شدند؛ حوزه علميه در عراق مستقر شده. زيرا امام محور "علم الهي" است. هر جا اين مدار علم باشد، علماء و دانشمندان آنجا مشرف مي شوند، و از محضر پر فيض آن ذات مقدس بهره ها مي برند. وقتي وجود مبارك امام رضا (ع) به ايران تشریف آوردند؛ اينجا مهد علم و حوزه علميه شد، علماء از نقاط مختلف به ايران آمدند، به مرز خراسان رفتند؛ سوال هاي علمي، اشکالات اعتقادي، شبهات فقهی، مسائل اخلاقي و... را در محضر وجود مبارك امام هشتم مطرح و از بيان ايشان استفاده مي کردند.

وجود مبارك امام هشتم (ع) که وارد مرز خراسان شدند؛ مهم ترين مسأله، مسأله "امامت" بود. چه اينكه بعد از انقلاب هم مهم ترين مسأله ايران و نظام، مسأله امامت است. عده اي که نتوانستند يا نخواستند مسأله ولايت فقيه را بپذيرند؛ يا در خود اين نيابت اشکال کردند، يا در مَنوب عنه شبهه کردند. اوائل درباره ولايت فقيه و نيابت فقيه و اينها خدشه مي کردند. وقتي از اينجا فراغت پيدا کردند، به اين فکر افتادند که ما در آن مَنوب عنه شبهه وارد کنيم. لذا اخيراً مدتي است که درباره اصل امامت ائمه (ع)، عصمت آن ذوات مقدس سخن به ميان مي آورند. وقتي آن مَنوب عنه مورد خدشه قرار گرفت، در نأب هم خدشه کردن دشوار نيست.

همه علاقمندان، مخصوصاً دانشگاہي ها، بالأخص حوزوي ها لازم است آن ادله قرآني و روايي که در قرن اول و دوم به وسيله ائمه (ع) تفسير و تحليل و تبیین شد، مخصوصاً به وسيله وجود مبارك امام هشتم؛ اينها را بحث کنند. چون مهم ترين بحث کلامي، همين جريان "امامت" است... مسأله رسمي خراسان آن روز، مسأله امامت بود. براي اينکه دايعه خلافت داشتند، مي گفتند: ما خليفه رسول الله ايم؛ نمازهاي جمعه را هم به عنوان خليفه رسول الله مي خواندند، به عنوان خليفه رسول الله داشتند حکومت مي کردند.

از سويي وقتي مسأله رسمي خراسان بود، مسأله رسمي خاورميانه هم بود. زيرا آن روز خاورميانه همين منطقه رسمي بخشي از هند و پاکستان و بنگلادش و اين قسمت ها بود، بخش وسيعي ايران بود، حجاز بود، عراق بود، شام و سوريه بود، لبنان و بيروت و اين قسمت ها بود، تا آن قسمت هاي مصر؛ و بخشي از كشورهايي که نزديك مصر بود. همه اينها در اختيار حکومت اسلامي بود. يعني وقتي مأمون عباسي خليفه رسمي مسلمانها بود، شعاع سلطنت و خلافت او در خاورميانه بود. در خاورميانه ديگر 2 تا خليفه، 2 تا سلطان و مانند آن نبود.

چه اينکه زمان حکومت حضرت امير (ع) هم خاورميانه در اختيار حضرت امير بود. براي ايران استاندارهاي متعدد مي فرستاد؛ ايران بيش از چند استان نبود. براي مصر يك استاندار فرستاد به نام مالك اشتر. آن مصر با همه پهناوري اش يك استان محسوب مي شد. وقتي خاورميانه يك مملکت حساب بشود، مصر مي شود يك استان؛ ايران مي شود يك استان يا مثلاً چند استان.

... بخش وسيعي از فرمايشات حضرت را مرحوم کليني در جلد اول اصول کافي نقل کرده. حضرت فرمود: من مسأله امامت را براي شما شرح کنم تا معلوم بشود اين حتماً انتصابي است، نه انتخابي؛ امام کسي است که از گذشته جوامع بشري با خبر باشد و از آینده قافله انسانيت هم با خبر باشد.

انسان که با مرگ نمي پوسد! بدنش مي پوسد اما انسان از پوست به در مي آيد. بيان نوراني ائمه (ع) اين است که: لا يَزَالُ تَنْتَقِلُونَ مِنْ دَارِ اِلٰي دَارٍ (1). انسان از دنيا وارد برزخ مي شود، وارد صحنه قيامت مي شود، بعد وارد بهشت يا خدای ناکرده جهنم؛ و براي ابد مي ماند. يك موجود از بين رفتني نيست! ما نه از گذشته اش با خيريم، نه از آینده اش! اينقدر مي دانيم که ما با مردن، اين قفس مي شکنند و مرغ باغ ملکوت آزاد مي شود. اما کجا مي رويم، آنجا چه مي خواهند، اينجا چي بايد تهيه کنيم؛ هيچ نمي دانيم.

کسي بايد باشد که هم از آینده ما با خبر باشد، هم از گذشته ما با خبر باشد؛ بشناسد و بداند آنجا چي لازم است، ما اينجا چه بايد تهيه کنيم، چه طور بايد تهيه کنيم. ضمناً اين يك علمي نيست که انسان در حوزه يا دانشگاه بتواند بخواند؛ اين نگار مکتب نرفته اي مي خواهد که از علم غيب با خبر باشد.

اينها در مدرسه ها نيست! اين جز وحی آسماني علم ديگري نيست که اينها را تفهيم کند. و انساني که اينچنين است و راهنما و رهبر قافله بشريت است که ايلي يوم القيامه رهبري مي کند، بايد در 3 بخش معصوم باشد. يعني بخش تلقی مطالب الهي، بخش ضبط و نگهداري و حفظ معارف، بخش انشاء و اعلام و اعمال و املاء و ابلاغ.

اگر کسي در فهميدن و دريافت مطالب از خدای سبحان معصوم نباشد، امام نيست. اگر کسي معصومانه معارف را دريافت مي کند، ولي ضابطه و حافظ او نيرومند نيست؛ در محدوده حفظ احياناً گرفتار سهو و نسيان مي شود، امام نيست. اگر کسي در قلمرو حفظ، نگهداري و نگهباني معارف معصوم است، ولي در املاء، ابلاغ، تعليم، تبیین، تحرير، کتابت کم و زياد مي کند

اشتباهاً، او باز امام نیست. امام کسی است که در هر 3 منطقه معصوم باشد از هر نقص و هر عیب. وجود مبارک امام هشتم فرمود: اینها انسان را نشناختند، امام را نشناختند، اینها بین غدیر و سقیفه فرق نمی گذارند، اینها نمی دانند الایمَامُ وَاحِدٌ دَهْرَهُ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ! این بیان نورانی امام رضا (ع) است که مرحوم کلینی در همان جلد اول کافی نقل کرده. فرمود: امام يك موجودي است که در تمام روي زمین دوامي ندارد! الایمَامُ وَاحِدٌ دَهْرَهُ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَ هُوَ يَحِثُّ النَّجْمُ مِنْ أَيْدِي الْمُتَنَوِّلِينَ؛ إِنْ الْعُقُولُ مِنْ هَذَا إِنْ الْإِخْتِيَارُ مِنْ هَذَا (2). فرمود: همانطوري که دست شماها به ستاره آسمان نمی رسد؛ فکر انسان عادي هم به مقام امامت و عصمت و قداست ملکوتي انسان کامل نمی رسد. مگر با دست مي شود ستاره را گرفت؟ مگر با فکر مي شود سقیفه درست کرد و جانشین پیغمبر درست کرد؟! وَ هُوَ يَحِثُّ النَّجْمُ مِنْ أَيْدِي الْمُتَنَوِّلِينَ؛ إِنْ الْعُقُولُ مِنْ هَذَا إِنْ الْإِخْتِيَارُ مِنْ هَذَا. عقل بشر کجا، اختیار بشر کجا، انتخاب بشر کجا! بعد فرمود: المَطْهَرُ مِنَ الذُّنُوبِ (3). اینهائي که مي گویند: عصمت ائمه از قرن هاي 6 و 7 و بعدها به در آمده، خُب این معارف را چه مي کنند؟! این بیان نورانی امام رضا در صحنه رسمي و علمي خراسان آن روز که مطیع آنظار بود، اینها را چه مي کنند؟! شاگردان امام، اصحاب امام، حوزه درسي امام رضا (ع) مسأله طهارت را، قداست را، عصمت را مطرح مي کردند. فرمود: أَلْمَطْهَرُ مِنَ الذُّنُوبِ. بعد فرمود: فَهُوَ مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ مُسَدَّدٌ (4)، امام معصوم است. بعد حالا اخيراً در آمده که اینها، علمای قبلي ما از ائمه به عنوان (علمای ابرار) یاد مي کردند! آنها هم يك سلسله دانشمنداني بودند که اینها را زمینی کنند؛ وقتی اینها زمینی شدند، قهرماً فقهاء که جانشینان اینهايند، زمینی ترند؛ بعد مي شود انتخابات و مردمي و مشروعیت اش با رأي مردم

است و امثال ذلك! وقتی اینها را امام رضا (ع) مي فرماید که: فَهُوَ مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ مُسَدَّدٌ، آنوقت چگونه ما بگوئیم مسأله عصمت بعدها در آمده؟! وقتی آنها این حرف را بزنند، در نشریات داخلی ما هم همین حرف ها ظهور مي کند. مردم با عقیده زنده اند، عقیده را عالمان دین تبیین مي کنند؛ مردم که فراغتي ندارند بيابند در حوزه ها! اگر حوزه ها، اگر دانشگاهها که محور علم این مملکتند، این معارف را درست ارزیابی کنند، جامعه راحت است. آنگاه نه هر روزنامه اي هر حرفي مي نويسد، نه هر مجله اي هر حرفي منتشر مي کند...

امام کاظم (ع) امام هفتم بود. به حضرت عرض کردند بعد از شما چه کسی به مقام امامت مي رسد؟ فرمود: إِبْنِي عَلِيٍّ وَ هُوَ يَنْظُرُ مَعِيَ فِي الْجَفْرِ وَ لَا يَنْظُرُوا فِيهِ إِلَّا نَبِيًّا أَوْ وَصِيًّا نَبِيًّا (5). فرمود: پسر من علي، علي بن موسي (ع). او هم مثل من در جَفْرِ جامع نگاه مي کند، مطالب را از آنجا مي گيرد.

این « جفر جامع » يك کتابي است، يك مکتوبي است که غير از پیامبر و غير از امام معصوم که وصي اوست، احدي نگاه نمي کند. ساير بچه هاي من، آنها هم آماده اند؛ ولي در جَفْرِ جامع نظر ندارند! این علي، پسر من در جفر جامع نظر دارد.

...یونس به حضرت عرض کرد که: عَلِمْنِي دَعَاءَ وَ أَوْجِزْ. يك دعائي به ما یاد بده، ولي مختصر باشد؛ فرمود: اگر بخواهي با خدايت گفتگو کنی و مختصر باشد، این جمله ها را بگو: يَا مَنْ دَلَّنِي عَلَي نَفْسِيهِ، وَ دَلَّلَ قَلْبِي بِتَصَدِيقِهِ، أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَ الْإِيمَانَ

فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (6)؛ همین 3 جمله.

اي کسی که مرا به خودت راهنمائي کردی، يا مَنْ دَلَّنِي عَلَي نَفْسِيهِ. وَ دَلَّلَ قَلْبِي بِتَصَدِيقِهِ؛ دلم را به پذيرش خود نرم کرد، دَلُول کرد؛ نه ذليل کرد! « دَلُول » يعني نرم و آرام. بعضي از دلها قَسِي و سنگينند، حرف در آنها نفوذ نمي کند. إِنْ مِنْهَا كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً (7). مي بينيد اين سنگ ها وقتي مُتَصَلَب بود، نفوذ ناپذير است. در اين آیه فرمود: بعضي از دلها نفوذ ناپذيرند، حرف در اينها اثر نمي کند؛ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً. اما بعضي از دلها دَلُولند؛ يعني نرمند، ملايمند، انعطاف پذيرند، موعظه پذيرند.

وجود مبارک امام رضا به يونس فرمود: بگو اي خدائي که قلم را نرم کردی براي پذيرش وجود ذات اقدس إله! مَنْ يَكُ دَرِخَاسْتِ دَارِمٍ، اينکه: امنيّت و ايمان در دنيا و آخرت را به من عطاء فرمايي! ما هم عرض مي کنيم: پروردگارا! يَا مَنْ دَلَّنَا عَلَي نَفْسِيهِ، وَ دَلَّلَ قُلُوبَنَا بِتَصَدِيقِهِ، نَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَ الْإِيمَانَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

آيت الله جوادي آملی

سخنرانی در جلسه درس اخلاق به مناسبت سالروز ميلاد حضرت امام رضا (ع) - قم؛ يکم آذر 1386